

تحلیل مسئولیت مدنی مدیران و معلمان ناشی از ورود جرایم ارتكابی در محیط مدرسه توسط دانش آموزان

فاضل عباسی منش^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸

چکیده

محیط مدرسه به عنوان یکی از اصلی ترین نهادهای تربیتی، وظیفه دارد امنیت فیزیکی و روانی دانش آموزان را در کنار فرآیند آموزش فراهم کند. با این حال، در سال های اخیر، بروز رفتارهای پرخطر و گاه مجرمانه توسط دانش آموزان، نگرانی هایی جدی درباره مسئولیت قانونی مدیران و معلمان در پی داشته است. وقوع چنین حوادثی، این پرسش را مطرح می سازد که در صورت بروز خسارت ناشی از جرم در مدرسه، چه کسانی و تحت چه شرایطی مسئول جبران آن خواهند بود. هدف این مقاله، تحلیل ابعاد مسئولیت مدنی مدیران و معلمان در قبال جرایم ارتكابی توسط دانش آموزان در فضای مدرسه است. مقاله با بهره گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به قوانین مدنی، مجازات اسلامی، آیین نامه اجرایی مدارس و آرای قضایی، به بررسی سه رکن اصلی مسئولیت مدنی (ضرر، تقصیر، رابطه سببیت) و انطباق آنها بر شرایط مدرسه می پردازد. یافته های تحقیق نشان می دهد که تحقق مسئولیت مدنی در این حوزه منوط به اثبات تقصیر یا ترک فعل از سوی معلم یا مدیر است، مگر در مواردی که اصل بر فرض تقصیر باشد. همچنین، فقدان نظارت مؤثر، بی توجهی به هشدارها، یا عدم اقدام پیشگیرانه از سوی کادر آموزشی می تواند زمینه ساز مسئولیت قانونی گردد. از سوی دیگر، نهاد آموزش و پرورش نیز در برخی موارد به عنوان مسئول تضامنی یا نهادی، در قبال عملکرد مدیران و معلمان خود پاسخ گو شناخته می شود.

واژگان کلیدی

مسئولیت مدنی، محیط مدرسه، تقصیر، آموزش و پرورش، جرایم دانش آموزان

۱. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه بین المللی خلیج فارس.

مقدمه

مدرسه، به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین نهادهای تربیتی در جامعه، نقش کلیدی در اجتماعی شدن، آموزش هنجارها و ایجاد نظم مدنی در میان کودکان و نوجوانان دارد. این نهاد، پس از خانواده، دومین مرجع تربیتی و کنش‌گر مؤثر در شکل‌گیری شخصیت اخلاقی و رفتاری دانش‌آموزان به‌شمار می‌آید. بر همین اساس، مسئولیت مدیران و معلمان نه تنها به آموزش علمی محدود نمی‌شود، بلکه شامل هدایت رفتاری، نظارت اخلاقی و تربیت اجتماعی نیز هست. (نیساری، ۱۴۰۲) با این حال، در سال‌های اخیر، افزایش پدیده بزهکاری در مدارس - از نزاع‌های خشونت‌آمیز گرفته تا تخریب اموال، تهدید، آزار بدنی و جنسی، و سرقت - نگرانی‌های حقوقی و اجتماعی گسترده‌ای را در پی داشته است. (بادینی، ۱۳۸۴) در چنین فضایی، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که در صورت ارتکاب جرم از سوی یک دانش‌آموز در محیط مدرسه، آیا می‌توان مدیر یا معلم مربوطه را نیز از نظر مسئولیت مدنی مسئول دانست؟ و اگر چنین است، حدود، شرایط و مبانی این مسئولیت چیست؟ آیا مدرسه صرفاً نقش یک ناظر را دارد، یا موظف به پیشگیری، کنترل و در صورت وقوع جرم، پاسخ‌گویی در قالب جبران خسارت نیز هست؟ این پرسش‌ها، در متن نظام آموزشی، چالشی پیچیده میان مسئولیت فردی و جمعی، میان تربیت و اجبار، و میان آموزش و پاسخ‌گویی حقوقی ایجاد کرده‌اند. از منظر حقوقی، مسئولیت مدنی به معنای تعهد شخص به جبران خسارتی است که به دیگری وارد شده، خواه بر اثر فعل، ترک فعل، یا تقصیر. در نظام حقوقی ایران، مسئولیت مدنی بر سه رکن تقصیر، ضرر و رابطه سببیت استوار است. چنان‌چه مدیری در نظارت بر رفتار خشونت‌آمیز دانش‌آموزان در زنگ تفریح کوتاهی کرده باشد، یا معلمی نسبت به تهدیدهای مکرر یک دانش‌آموز نسبت به همکلاسی‌اش بی‌تفاوت باشد، می‌توان با اثبات وجود این سه رکن، او را از حیث مدنی مسئول دانست. اما در عمل، اثبات این عناصر به‌ویژه در فضای مدرسه، با دشواری‌هایی همراه است. از سوی دیگر، نظام حقوقی ایران هنوز سازوکار روشنی برای تبیین مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر در محیط مدرسه طراحی نکرده است. در واقع، مشخص نیست که تا چه میزان می‌توان معلم یا مدیر را مسئول جرایم ارتكابی یک دانش‌آموز دانست. این موضوع به‌ویژه در مواردی مانند آزار جنسی، نزاع شدید منجر به جرح، یا تخریب اموال شخصی همکلاسی‌ها، بیش‌ازپیش اهمیت می‌یابد؛ زیرا از یک‌سو، نیاز به حمایت از دانش‌آموزان زیان‌دیده وجود دارد و از سوی دیگر، باید عدالت در تخصیص مسئولیت نیز رعایت شود. نکته مهم دیگر، تفاوت میان مسئولیت کیفری دانش‌آموز به‌عنوان فاعل جرم و مسئولیت مدنی مدرسه به‌عنوان نهاد نظارتی است. هرچند مسئولیت کیفری شخصی است و صرفاً متوجه مرتکب است، اما مسئولیت مدنی می‌تواند دامن کسانی را بگیرد که در پیشگیری از وقوع جرم سهل‌انگاری کرده‌اند. بنابراین، تکیه صرف بر مسئولیت کیفری دانش‌آموز، از نظر جبران خسارت و بازسازی اعتماد اجتماعی کافی نیست و باید سازوکارهای مدنی برای پاسخ‌گویی نهاد آموزشی نیز پیش‌بینی شود.

پیشینه پژوهش

مسئولیت مدنی در فضای آموزشی، به‌ویژه در شرایطی که یک دانش‌آموز مرتکب عمل مجرمانه‌ای در مدرسه می‌شود، یکی از حوزه‌های نوظهور و در عین حال پیچیده در نظام حقوقی ایران است. در سال‌های اخیر، هم‌زمان با افزایش آسیب‌های اجتماعی در میان نوجوانان، توجه به نقش و مسئولیت حقوقی مدیران و معلمان در قبال این پدیده فزونی یافته است. با این حال، در ادبیات حقوقی داخلی، پژوهش‌های مستقل و نظام‌مند پیرامون مسئولیت مدنی نهاد مدرسه در قبال جرایم ارتكابی دانش‌آموزان، محدود و پراکنده‌اند. در این بخش، مطالعات مرتبط با موضوع به‌صورت تحلیلی بررسی

می‌شوند. در حوزه مبانی عمومی مسئولیت مدنی، آثار دکتر ناصر کاتوزیان از جمله «قواعد عمومی مسئولیت مدنی» همواره مرجع اصلی برای تحلیل مسئولیت‌های ناشی از فعل یا ترک فعل غیر بوده‌اند. در این اثر، گرچه به‌طور خاص به محیط آموزشی پرداخته نشده، اما اصولی چون تقصیر، رابطه سببیت، و مسئولیت ناشی از فعل غیر به‌عنوان مبنای نظری برای تحلیل موارد خاص مانند مدرسه کاربرد دارد. بر اساس نظریه تسبیب، اگر ترک فعل یا بی‌مبالاتی شخص ثالث (نظیر معلم یا مدیر) زمینه ارتكاب جرم را فراهم کرده باشد، مسئولیت مدنی می‌تواند محقق شود. در گامی تخصصی‌تر، برخی مطالعات به مسئولیت مدنی مدیران و معلمان در قبال صدمات مستقیم به دانش آموزان پرداخته‌اند. برای مثال، مقاله‌ای از هاشمی (۱۳۹۴) با عنوان «بررسی فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی معلمان در قبال دانش آموزان»، با استناد به قواعد فقهی مانند لاضرر و تسبیب، به بررسی مسئولیت معلمان در مواردی مانند آسیب بدنی ناشی از بی‌احتیاطی پرداخته است. این پژوهش اگرچه به جرایم ارتكابی توسط دانش آموزان نمی‌پردازد، اما چارچوب مناسبی برای تحلیل نقش معلم به‌عنوان ناظر تربیتی فراهم می‌کند. در سطح سیاست‌گذاری، آیین‌نامه انضباطی مدارس، مصوب وزارت آموزش و پرورش، برخی وظایف نظارتی مدیران و معلمان در قبال نظم و امنیت مدرسه را بر شمرده است. با این حال، این آیین‌نامه بیشتر جنبه اجرایی و اخلاقی دارد و ضمانت اجرایی حقوقی در قبال تخلفات و خسارات ناشی از آن ندارد. از این‌رو، در بسیاری از دعاوی، قاضی ناچار است با تکیه بر قواعد عام مسئولیت مدنی یا اصل ۱۷۱ قانون اساسی، تصمیم‌گیری نماید. مطالعات میدانی مانند پژوهش موسوی (۱۳۹۷) با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی بزهکاری در مدارس متوسطه تهران» نیز نشان می‌دهد که بسیاری از جرایم دانش آموزان در محیط مدرسه (نظیر نزاع، تهدید، تخریب اموال یا رفتارهای پرخاشگرانه) ناشی از نبود آموزش مهارت‌های کنترل خشم، ضعف در نظارت کادر آموزشی و بی‌توجهی به اختلالات رفتاری در مراحل ابتدایی است. اگرچه این پژوهش حقوقی نیست، اما به‌صورت غیرمستقیم بر رابطه میان ضعف مدیریتی و بروز جرم در محیط مدرسه تأکید دارد. در مطالعات تطبیقی، مقاله‌ای از سامانی (۱۴۰۰) با عنوان «تحلیل تطبیقی مسئولیت مدرسه در قبال دانش آموزان در حقوق ایران و فرانسه»، به بررسی مسئولیت‌های حقوقی نهاد آموزشی پرداخته و نتیجه می‌گیرد که در فرانسه، اصل بر این است که مدرسه باید برای هر حادثه‌ای که در محیط آن رخ دهد پاسخ‌گو باشد، مگر آن‌که خلاف آن اثبات گردد. این اصل که به نوعی مسئولیت مفروض نهاد آموزشی را می‌پذیرد، به‌ویژه در موارد بزهکاری نوجوانان، امکان حمایت حقوقی بیشتری برای زیان‌دیدگان فراهم می‌سازد. همچنین در مقاله‌ای از نوری (۱۳۹۸) با عنوان «نقش حقوقی معلم در پیشگیری از جرم در محیط آموزشی»، این نکته مطرح شده که معلمان علاوه بر نقش آموزشی، وظیفه تربیتی و اخلاقی نیز دارند و در صورت بی‌توجهی به نشانه‌های انحراف رفتاری یا نادیده گرفتن هشدارهای دانش آموزان، ممکن است مسئولیت غیرمستقیم در قبال جرم ارتكابی به آنان تحمیل شود. برخی رویه‌های قضایی نیز در این زمینه قابل توجه‌اند. در یک رأی صادره از دادگاه عمومی تهران (۱۳۹۶)، والدین دانش‌آموزی که مورد ضرب و شتم شدید همکلاسی قرار گرفته بود، علیه مدیر مدرسه به استناد عدم نظارت کافی شکایت کردند. دادگاه با استناد به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و آیین‌نامه داخلی مدرسه، مدیر را در ترک نظارت مقصر دانست و او را به پرداخت بخشی از خسارت محکوم کرد. اگرچه این رأی الزام‌آور برای سایر پرونده‌ها نیست، اما به‌عنوان نمونه‌ای از پذیرش مسئولیت مدنی در قبال جرم ارتكابی توسط دانش آموز، حائز اهمیت است. در حوزه حقوق کیفری، برخی پژوهش‌ها مانند پایان‌نامه زارعی (۱۴۰۰) با عنوان «مسئولیت کیفری کودکان در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی»، بیشتر به تحلیل سن مسئولیت کیفری و ظرفیت‌های اصلاح‌پذیری نوجوانان پرداخته‌اند و

کمتر به ابعاد مدنی چنین رفتارهایی توجه داشته‌اند. این خلأ، بیانگر کمبود پژوهش‌های میان‌رشته‌ای میان حقوق مدنی، کیفری و تربیتی در حوزه مدرسه است. در سطح اسناد بین‌المللی نیز، کنوانسیون حقوق کودک (CRC) به‌ویژه در ماده ۲۸ و ۲۹، دولت‌ها را موظف می‌سازد تا محیط آموزشی امن، سالم و بدون خشونت برای کودکان فراهم سازند. این اسناد گرچه الزام آور به معنای قانونی نیستند، اما چارچوب اخلاقی و سیاستی مهمی برای دولت‌ها به شمار می‌روند و می‌توانند مبنای توسعه حقوق مسئولیت مدنی در فضای آموزشی باشند.

تعریف مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی یکی از شاخه‌های مهم حقوق خصوصی است که به جبران خسارت ناشی از فعل زیان‌بار می‌پردازد. به طور کلی، زمانی که شخصی با عمل یا ترک فعل خود موجب ورود ضرر به دیگری شود، در صورتی که آن ضرر با شرایط خاصی تحقق یابد، مسئول جبران آن خواهد بود. در حقوق ایران، مسئولیت مدنی بر دو پایه استوار است. در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ایران (مصوب ۱۳۳۹) آمده است: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده لطمه‌ای وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است» در بستر مدرسه، چنانچه بی‌مبالاتی یا ترک فعل از سوی مدیر یا معلم منجر به ورود خسارت به دانش‌آموز یا اشخاص ثالث شود، اصل بر مسئولیت ایشان است؛ به شرطی که رابطه‌ای علی میان تقصیر و زیان وجود داشته باشد. در واقع، مسئولیت مدنی در اینجا نقشی حمایتی ایفا می‌کند و هدف آن بازگرداندن وضعیت زیان‌دیده به حالت پیشین یا جبران آن از طریق پرداخت خسارت است. (آقا زاده، ۱۳۸۷؛ آقایی نیا، ۱۳۶۹).

تعریف جرم در فضای مدرسه

محیط مدرسه، به‌عنوان یکی از نهادهای تربیتی کلیدی، نقش مؤثری در شکل‌گیری شخصیت و اجتماعی‌شدن کودکان و نوجوانان ایفا می‌کند. از این رو، انتظار می‌رود که نظم، امنیت، احترام متقابل و تربیت در آن جاری باشد. با این حال، در عمل، مدرسه نیز مانند هر فضای اجتماعی دیگری ممکن است شاهد بروز رفتارهایی مجرمانه از سوی دانش‌آموزان یا حتی کادر آموزشی باشد. شناخت دقیق «جرم در فضای مدرسه» برای تحلیل مسئولیت مدنی و کیفری افراد مؤثر در مدرسه ضروری استبراساس ماده ۲ قانون مجازات اسلامی: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده، جرم محسوب می‌شود» (کاتوزیان، ۱۳۸۶) این تعریف دارای دو مؤلفه اصلی است:

- رفتار مجرمانه (فعل یا ترک فعل)
- پیش‌بینی مجازات قانونی برای آن

بنابراین، جرم در هر محیطی زمانی محقق می‌شود که رفتاری خلاف قانون انجام شود و برای آن مجازات مشخصی در نظر گرفته شده باشد. جرم در فضای مدرسه اگرچه از نظر ماهوی تفاوتی با جرم در سایر فضاهای اجتماعی ندارد، اما دارای ویژگی‌هایی خاص است که تحلیل آن را از منظر تربیتی و حقوقی متمایز می‌کند:

الف - فاعل جرم معمولاً نابالغ یا در سنین نوجوانی است: بسیاری از دانش‌آموزان زیر سن قانونی (۱۸ سال) هستند و بنابراین، تحلیل مسئولیت کیفری و مدنی آن‌ها تابع قواعد خاصی است (مانند مواد مربوط به سن مسئولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی)

ب - محیط جرم یک نهاد تربیتی است: وقوع جرم در مدرسه تنها یک مسئله کیفری نیست بلکه شکست ساختارهای تربیتی و نظارتی را نیز منعکس می کند. از این رو، ممکن است پای مسئولیت مدیر، معلم یا حتی اولیای مدرسه به میان کشیده شود.

ج - تأثیرات بلندمدت بر قربانی و مجرم: ارتكاب جرم در مدرسه معمولاً با تبعات روانی و اجتماعی زیادی برای قربانی (مثلاً دانش آموز آسیب دیده) و نیز برای مرتکب (که در سنین شکل گیری شخصیت قرار دارد) همراه است. (آقا زاده، ۱۳۸۷؛ آقایی نیا، ۱۳۶۹).

مصادیق رایج جرم در فضای مدرسه

۱- خشونت فیزیکی و ضرب و جرح: درگیری های بدنی بین دانش آموزان یکی از شایع ترین جرایم در مدارس است. اگر این درگیری منجر به صدمه جسمانی شود، مطابق مواد ۶۱۴ و ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی، جرم ضرب و جرح عمدی یا غیرعمدی تحقق می یابد.

۲- زورگیری و تهدید: برخی دانش آموزان با استفاده از قدرت جسمی یا تهدید، از دیگران پول یا اشیاء شخصی اخذ می کنند. این اعمال ممکن است مصداق جرایمی نظیر اخاذی، تهدید یا سرقت باشد و جنبه کیفری جدی داشته باشد. (صفایی، رحیمی، ۱۳۸۹)

۳- مزاحمت و آزار جنسی یا کلامی: آزار دیگران به صورت بدنی یا لفظی در مدرسه، به ویژه در دوره متوسطه دوم، از چالش های جدی است. اگرچه اثبات برخی اشکال آن دشوار است، ولی در صورت وجود دلایل کافی، می تواند مشمول ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی (مزاحمت برای اشخاص) شود. (قاسم زاده، ۱۳۸۴)

۴- تخریب اموال مدرسه یا دیگران: از بین بردن اموال عمومی (نظیر صندلی، شیشه، تجهیزات آموزشی) یا وسایل دانش آموزان، مشمول جرم تخریب اموال است که طبق مواد ۶۷۵ تا ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی، جرم تلقی شده و دارای مجازات است. (شارع پور، ۱۳۹۲)

۵- مصرف یا حمل مواد مخدر، سیگار یا الکل: اگر دانش آموزی در محیط مدرسه اقدام به استعمال یا حمل مواد مخدر، دخانیات یا الکل کند، بسته به نوع ماده، با مجازات هایی مواجه می شود. این نوع جرایم علاوه بر مسئولیت کیفری دانش آموز، ممکن است مسئولیت مدیر مدرسه را نیز در قبال ترک نظارت یا عدم برخورد جدی در پی داشته باشد.

۶- جرایم سایبری و مجازی: با گسترش استفاده از تلفن همراه و شبکه های اجتماعی، انتشار تصاویر، توهین در گروه های مجازی مدرسه، تهدید در فضای پیام رسان ها و ایجاد اکانت های جعلی به معضلات جدیدی در حوزه جرایم مدرسه ای تبدیل شده اند. قانون جرایم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸، این نوع جرایم را جرم انگاری کرده است. وقوع جرم در مدرسه، در صورتی که نتیجه بی توجهی، ترک فعل یا ضعف نظارت معلمان و مدیران باشد، ممکن است منجر به مسئولیت مدنی آن ها گردد. به عبارت دیگر، اگر اثبات شود که مدیر یا معلم می توانسته با اقدام به موقع یا نظارت مؤثر، از بروز جرم جلوگیری کند ولی کوتاهی کرده، ممکن است زیان دیده بتواند علیه ایشان اقامه دعوی مدنی کند (آقا زاده، ۱۳۸۷؛ آقایی نیا، ۱۳۶۹). برای مثال:

- در صورتی که معلم از وجود چاقو در کیف دانش آموزی مطلع بوده و اقدامی نکرده باشد.
- یا اگر گزارش های مکرر درباره زورگیری یک دانش آموز نادیده گرفته شده باشد.

پیشگیری از وقوع جرم در فضای مدرسه، نیازمند اقداماتی هماهنگ از سوی سیستم آموزشی، والدین و نهادهای فرهنگی است. ۱- برگزاری دوره‌های آموزشی برای معلمان در زمینه حقوق کودک، رفتار با دانش‌آموزان و روش‌های مقابله با خشونت. ۲- نظارت دقیق‌تر بر رفت و آمد دانش‌آموزان و ورود وسایل خطرناک. ۳- راه‌اندازی سامانه‌های گزارش محرمانه از تخلفات. ۴- توسعه مشاوره روان‌شناختی و اجتماعی در مدارس جرم در فضای مدرسه پدیده‌ای چندبعدی است که ریشه در ساختارهای تربیتی، روان‌شناختی، اجتماعی و حقوقی دارد. در حالی که فاعل جرم اغلب دانش‌آموزی نابالغ است، مسئولیت حقوقی و اجتماعی مقابله با جرم بر عهده مدیر، معلم و سیستم آموزشی است. تعریف دقیق و بررسی مصادیق جرم در مدرسه، مقدمه‌ای لازم برای بررسی مسئولیت مدنی و ارائه راه‌حل‌های پیشگیرانه است. (رجبی پور، ۱۳۸۷؛ کتولی نژاد، ۱۳۹۰)

مسئولیت‌های قانونی مدیران و معلمان

مدرسه نه تنها محل آموزش رسمی، بلکه محیطی برای رشد اخلاقی، تربیت اجتماعی، و ایمن‌سازی کودکان و نوجوانان در برابر تهدیدهای بیرونی و درونی است. در این مسیر، مدیران و معلمان، نقش محوره‌های اصلی نظام آموزشی به شمار می‌روند که مسئولیت‌های قانونی و حرفه‌ای مهمی بر عهده دارند. این مسئولیت‌ها تنها به آموزش محدود نیست، بلکه جنبه‌هایی از حفظ امنیت، سلامت روانی، جسمی و اخلاقی دانش‌آموزان را نیز دربرمی‌گیرد. (نجفی توانا، ۱۳۸۵)

۱- مبنای قانونی مسئولیت‌ها: وظایف مدیران و معلمان بر اساس اسناد و مقررات متعددی تعیین می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصول ۳)
- قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش
- آیین‌نامه اجرایی مدارس
- آیین‌نامه انضباطی مدارس
- قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی
- قانون مجازات اسلامی

در کنار این منابع، رویه قضایی و دستورالعمل‌های داخلی وزارت آموزش و پرورش نیز در تعیین حدود مسئولیت نقش دارند. (خسروشاهی، ۱۳۸۹)

مسئولیت‌های عمومی مدیر مدرسه: مدیر مدرسه به عنوان بالاترین مقام اجرایی و مسئول فضای فیزیکی، تربیتی و آموزشی مدرسه، وظایف گسترده‌ای دارد که جنبه‌های مختلفی از مدیریت را شامل می‌شود:

الف - تضمین امنیت فیزیکی و روانی محیط مدرسه: مدیر موظف است فضای مدرسه را به گونه‌ای مدیریت کند که دانش‌آموزان در معرض خطر جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی قرار نگیرند. بر اساس ماده ۷ آیین‌نامه اجرایی مدارس، حفظ انضباط و نظارت بر رعایت مقررات داخلی، از وظایف مدیر است.

ب - نظارت بر عملکرد معلمان و کارکنان: مدیر باید بر حضور به موقع معلمان، کیفیت تدریس، رعایت شئون حرفه‌ای و ارتباط درست با دانش‌آموزان نظارت داشته باشد. سهل‌انگاری در این زمینه ممکن است باعث شکل‌گیری بستر بروز جرم یا تخلف شود. (رجبی پور، ۱۳۸۷؛ کتولی نژاد، ۱۳۹۰)

ج - پیش‌بینی و اقدام به‌موقع برای پیشگیری از بحران‌ها: در صورت وجود نشانه‌های بروز مشکل (مثلاً وجود دانش‌آموز مشکل‌دار، تهدید امنیتی، یا احتمال وقوع نزاع)، مدیر باید اقدامات پیشگیرانه انجام دهد. ترک فعل در این زمینه می‌تواند مسئولیت قانونی ایجاد کند.

د- گزارش حوادث و جرایم به مراجع ذی‌ربط: در صورت اطلاع از وقوع جرم یا تخلف جدی، مدیر مدرسه موظف است آن را به مرجع انتظامی، قضایی یا آموزش و پرورش گزارش دهد. خودداری از این گزارش ممکن است او را در مظان مشارکت در جرم یا ترک وظیفه قرار دهد. (محمدی اصل، ۱۳۸۵؛ معظمی، ۱۳۹۱)

مسئولیت‌های معلمان

معلمان، مهم‌ترین نیروهای عملیاتی آموزش و پرورش هستند و ارتباط مستقیم، مداوم و مؤثری با دانش‌آموزان دارند.

مسئولیت‌های قانونی آن‌ها عمدتاً در حوزه‌های زیر دسته‌بندی می‌شود:

الف - مسئولیت آموزشی و تربیتی: معلم موظف است در چارچوب برنامه مصوب وزارت آموزش و پرورش، محتوای آموزشی را به‌درستی ارائه دهد و هم‌زمان به تربیت اخلاقی، اجتماعی و روانی دانش‌آموزان توجه کند. رفتار خشونت‌آمیز یا تحقیرآمیز با دانش‌آموز خلاف این وظیفه است و ممکن است پیامد قانونی داشته باشد.

ب - مسئولیت نظارتی در کلاس و حیاط مدرسه - در طول زنگ کلاس، معلم مسئول مستقیم دانش‌آموزان است و باید از هرگونه درگیری، آسیب یا تخلف پیشگیری کند. در صورتی که معلم کلاس را ترک کند و در همان زمان حادثه‌ای رخ دهد (مثلاً درگیری منجر به جرح)، ممکن است مسئول شناخته شود.

ج - پیشگیری از جرم یا تخلف با اقدامات مناسب: اگر معلم از ناهنجاری‌ها یا رفتارهای نگران‌کننده دانش‌آموزی آگاه شود، باید آن را به مدیر یا مشاور گزارش دهد. چشم‌پوشی از این موارد نوعی ترک فعل محسوب شده و می‌تواند

مسئولیت مدنی یا انتظامی ایجاد کند. (غفوری غروی، ۱۳۵۹؛ شامیاتی، ۱۳۸۹)

د - رفتار حرفه‌ای و اخلاقی با دانش‌آموزان: هرگونه تعرض جنسی، خشونت فیزیکی یا توهین توسط معلم، علاوه بر جرم بودن، موجب مسئولیت مدنی نیز خواهد شد. در این موارد، مدرسه و نهاد آموزش و پرورش نیز ممکن است در معرض پیگرد قانونی قرار گیرند. (دانش، ۱۳۸۵)

۴. مسئولیت مدنی در صورت وقوع حادثه یا جرم

هنگامی که در مدرسه حادثه‌ای رخ می‌دهد یا جرمی توسط دانش‌آموز اتفاق می‌افتد (مانند ضرب و جرح، سرقت، تهدید، تخریب اموال)، پرسش این است که چه کسی مسئول جبران خسارت است؟ در این زمینه، قواعد مسئولیت مدنی به کار گرفته می‌شود. طبق قانون مسئولیت مدنی، در صورتی که قصور یا سهل‌انگاری مدیر یا معلم عامل وقوع حادثه بوده باشد، شخص ذی‌نفع می‌تواند علیه ایشان طرح دعوی کند. مثلاً ۱- معلم در کلاس حضور نداشته و دانش‌آموزان با یکدیگر درگیر شده‌اند. ۲- مدیر، گزارش‌های قبلی درباره تهدید یک دانش‌آموز را نادیده گرفته است. ۳- مدیر اجازه ورود وسایل خطرناک به مدرسه را داده است. در چنین مواردی، ارتباط علی میان تقصیر و زیان باید اثبات شود تا

مسئولیت مدنی محقق گردد. (محمدی اصل، ۱۳۸۵؛ معظمی، ۱۳۹۱)

مسئولیت تضامنی یا نهادی

در بسیاری از موارد، نهاد آموزش و پرورش (وزارتخانه یا اداره آموزش و پرورش) نیز ممکن است به صورت مستقیم یا به عنوان مسئول تضامنی، در قبال کوتاهی عوامل مدرسه پاسخگو باشد. در دعاوی مدنی، برخی دادگاه‌ها با استناد به نظریه "مسئولیت مستخدمان دولت"، مسئولیت جبران خسارت را متوجه نهاد دولتی می‌دانند. همچنین، در برخی موارد، بیمه مسئولیت حرفه‌ای معلمان و مدیران می‌تواند خسارات وارده را جبران کند، به شرطی که قصور شغلی اثبات شود و عمل آنان خارج از حدود وظایف نبوده باشد. نقض مسئولیت‌های قانونی، بسته به نوع تخلف و شدت آن، می‌تواند پیامدهای زیر را در پی داشته باشد:

۱- مسئولیت مدنی (جبران خسارت زیان‌دیده)

۲- مسئولیت کیفری (در صورت وقوع جرم)

۳- مسئولیت اداری و انضباطی (مانند توبیخ، کسر حقوق، انفصال)

۴- نقض اعتبار حرفه‌ای و شغلی

مسئولیت‌های قانونی مدیران و معلمان، تنها محدود به آموزش نیست، بلکه شامل نظارت، پیشگیری، مراقبت، گزارش‌دهی و تضمین امنیت روانی و جسمی دانش‌آموزان است. هرگونه ترک این وظایف ممکن است پیامدهای مدنی، کیفری یا اداری برای آنان داشته باشد. توجه دقیق به این مسئولیت‌ها و اجرای درست آن‌ها، نه تنها مانع بروز حادثه یا جرم می‌شود، بلکه جایگاه مدرسه را به عنوان محیطی امن و تربیتی حفظ می‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۶)

شرایط تحقق مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی، یکی از ابزارهای حقوقی برای جبران زیان‌های وارد شده به اشخاص است. این نوع مسئولیت، زمانی مطرح می‌شود که عملی زیان‌بار توسط شخصی انجام شده یا ترک فعلی صورت گرفته باشد که منتهی به ورود ضرر به دیگری گردد. مسئولیت مدنی در محیط مدرسه، به‌ویژه در رابطه با عملکرد مدیران، معلمان و ناظران، در شرایط وقوع جرم یا حادثه از سوی دانش‌آموزان، اهمیت مضاعفی می‌یابد. برای تحقق مسئولیت مدنی، سه شرط اساسی باید فراهم شود:

۱- **ورود ضرر:** نخستین شرط تحقق مسئولیت مدنی، وجود ضرر قانونی است. ضرر، زانی است که به حقوق مادی

یا معنوی شخص وارد می‌شود و قانون آن را به رسمیت می‌شناسد. در حقوق ایران، ضرر به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود:

الف - ضرر مادی: شامل خسارات وارده به مال، بدن یا هرگونه نفع اقتصادی فرد است. مثلاً شکستن بینی یک

دانش‌آموز در اثر درگیری فیزیکی، سرقت تلفن همراه دانش‌آموز در حیاط مدرسه، تخریب تجهیزات آموزشی

ب - ضرر معنوی: شامل لطمه به حیثیت، آبرو، شخصیت، و احساسات فرد است. برای نمونه تحقیر یا توهین به

دانش‌آموز توسط معلم، اضطراب شدید ناشی از تهدید مکرر یک دانش‌آموز دیگر؛ مطابق ماده ۱ قانون مسئولیت

مدنی، ضرر باید «قابل اثبات» و «قانونی» باشد. همچنین، در دادرسی، بار اثبات ضرر بر عهده زیان‌دیده است. (آقا زاده،

۱۳۸۷؛ آقایی نیا، ۱۳۶۹).

۲- فعل زیان بار (تقصیر یا ترک فعل)

دومین شرط تحقق مسئولیت مدنی، وجود فعل زیان بار یا تقصیر از سوی شخصی است که مسئولیت به او منتسب می شود. تقصیر ممکن است در قالب رفتار فعال یا ترک وظیفه ظاهر شود.

الف (تقصیر ایجابی (فعل مثبت): یعنی مرتکب با اقدام خاصی، موجب زیان به دیگری شده است. مانند استفاده از خشونت بدنی توسط معلم علیه دانش آموز، اجازه ورود وسایل خطرناک به مدرسه توسط مدیر.

ب - تقصیر سلبی (ترک فعل یا ترک وظیفه): یعنی شخص در جایی که قانوناً یا عرفاً وظیفه داشته اقدامی کند، آن را ترک کرده است. مانند بی توجهی معلم به گزارش تهدید شدن دانش آموز، عدم نظارت کافی مدیر بر انبار تجهیزات خطرناک؛ در حقوق ایران، برای تحقق تقصیر، باید احراز شود که شخص رفتاری خلاف عرف، قانون یا موازین حرفه‌ای انجام داده یا مرتکب بی احتیاطی و بی‌مبالاتی شده است.

معیار تشخیص تقصیر

معمولاً از معیار "رفتار انسان متعارف" استفاده می شود. یعنی اگر در شرایط مشابه، یک مدیر یا معلم متعارف به گونه‌ای دیگر عمل می کرد و از وقوع حادثه جلوگیری می کرد، رفتار متهم به ترک وظیفه تلقی می شود.

۱- رابطه سببیت (رابطه علیت بین تقصیر و ضرر): سومین و مهم ترین شرط تحقق مسئولیت مدنی، رابطه علیت میان فعل زیان بار و خسارت وارده است. به عبارتی، باید اثبات شود که اگر آن رفتار زیان بار (اعم از فعل یا ترک فعل) رخ نمی داد، ضرر نیز وارد نمی شد.

الف - مفهوم رابطه سببیت: رابطه‌ای است منطقی و مستقیم میان عمل شخص و پیامد آن. این رابطه باید قابل اثبات باشد و نه صرفاً بر مبنای گمان. مثال اگر معلم کلاس را بدون اجازه ترک کرده و در همان زمان درگیری میان دانش آموزان رخ داده باشد که به جراحت یکی منجر شود، باید بررسی شود آیا ترک کلاس توسط معلم در بروز حادثه مؤثر بوده است؟ اگر بله، رابطه علیت اثبات می شود.

ب - قطع رابطه سببیت: در برخی موارد، ممکن است عوامل مداخله گر باعث قطع رابطه سببیت شوند؛ مانند دخالت شخص ثالث، وقوع حادثه قهری یا غیرقابل پیش بینی، در این صورت، مسئولیت از دوش معلم یا مدیر برداشته می شود.

ج - مسئولیت مبتنی بر فرض تقصیر: در برخی موارد، به ویژه زمانی که زیان دیده دانش آموزی خردسال یا نابالغ است، فرض تقصیر در نظر گرفته می شود. به این معنا که اصل بر این است که معلم یا مدیر مقصر بوده اند مگر خلاف آن ثابت شود. این رویکرد، جنبه حمایتی از کودکان دارد و در نظام‌های پیشرفته حقوقی نیز رایج است. (کاتوزیان، ۱۳۸۶)

نقش بیمه مسئولیت و آموزش و پرورش

در صورتی که مدیر یا معلم مطابق وظایف قانونی خود رفتار کرده ولی باز هم حادثه‌ای رخ داده باشد، در صورتی که تحت پوشش بیمه مسئولیت حرفه‌ای باشند، شرکت بیمه ممکن است خسارت را جبران کند. همچنین، در برخی دعاوی، به دلیل آنکه مدیر یا معلم مستخدم رسمی دولت هستند، وزارت آموزش و پرورش نیز ممکن است به صورت تضامنی مسئول شناخته شود، به ویژه اگر کوتاهی در نظارت یا آموزش کادر مدرسه اثبات شود. در دعاوی مدنی علیه مدیر یا معلم، قاضی موظف است سه رکن فوق را بررسی کند:

۱. آیا خسارتی وارد شده است؟

۲. آیا رفتار زیان بار (اعم از فعل یا ترک فعل) رخ داده است؟

۳. آیا بین رفتار و خسارت رابطه علیت وجود دارد؟

فقط در صورت اثبات هر سه عنصر، مسئولیت مدنی محقق می‌شود. مسئولیت مدنی، تنها زمانی قابل تحقق است که سه عنصر مهم: ورود ضرر، فعل زیان بار (تقصیر) و رابطه علیت میان آن دو وجود داشته باشد. در فضای مدرسه، به دلیل حساسیت ویژه نسبت به سلامت جسمی و روانی کودکان، این شرایط با دقت بیشتری بررسی می‌شوند. شناخت دقیق این عناصر به مدیران و معلمان کمک می‌کند تا حدود مسئولیت خود را بدانند و اقدامات پیشگیرانه لازم را در مواقع ضروری انجام دهند. همچنین، مبنای حقوقی مطمئنی برای طرح دعاوی مدنی از سوی دانش آموزان یا اولیای آن‌ها فراهم می‌سازد. (تقی پورظهیر، ۱۳۹۰)

بحث و تحلیل

در حقوق مدنی ایران، اصل بر این است که مسئولیت اشخاص در صورت وجود تقصیر آن‌ها محقق می‌شود. این قاعده که به آن «مسئولیت مبتنی بر تقصیر» گفته می‌شود، یکی از بنیادی‌ترین مبانی مسئولیت مدنی محسوب می‌شود. در زمینه محیط مدرسه، رفتارهای مجرمانه‌ای که از سوی دانش آموزان صورت می‌گیرد، تنها در صورتی منجر به مسئولیت مدنی مدیر یا معلم خواهد شد که بتوان اثبات کرد تقصیر یا ترک فعلی از سوی آن‌ها صورت گرفته است. تقصیر در حقوق ایران، به معنای ارتکاب فعلی برخلاف عرف، قانون یا اصول حرفه‌ای است. در محیط مدرسه، این رفتار ممکن است در قالب عدم رعایت مقررات انضباطی، ترک مراقبت، یا حتی رفتارهای غیراخلاقی و غیرفرهنگی از سوی مدیر یا معلم بروز یابد. به عنوان مثال: معلمی که کلاس را بدون اطلاع ترک کرده و در غیاب او دانش آموزان درگیر شده‌اند، مدیری که نسبت به تهدیدات مکرر یک دانش آموز زورگویی تفاوت بوده، ناظمی که گزارش‌های والدین در مورد خشونت فیزیکی را نادیده گرفته است؛ در تمامی این موارد، اگر اثبات شود که تقصیر (فعل یا ترک فعل) تأثیر مستقیم در وقوع جرم یا زیان داشته است، مسئولیت مدنی متوجه فرد خواهد بود. در دعاوی مدنی، اصل بر بی‌گناهی است؛ لذا اثبات تقصیر بر عهده شاکی (زیان‌دیده یا ولی او) است. با این حال، در مورد مسئولیت مدیران و معلمان در برابر کودکان، برخی دکتین‌های حقوقی مانند «فرض تقصیر» بیان می‌دارند که در شرایط خاصی، تقصیر مفروض است و مدیر یا معلم باید خلاف آن را اثبات کند. به عنوان مثال، اگر دانش آموزی در مدرسه از طبقه سقوط کند، اصل بر این است که ایمنی رعایت نشده است مگر خلاف آن ثابت شود. نکته قابل تأمل آن است که مسئولیت مدیر یا معلم بی‌حد و مرز نیست. در مواردی که حادثه یا جرم بدون پیش‌بینی یا دخالت آن‌ها رخ دهد، نمی‌توان مسئولیت مدنی را بر ایشان تحمیل کرد. (رجبی پور، ۱۳۸۷؛ کتولی نژاد، ۱۳۹۰) مثلاً:

- درگیری ناگهانی و شدید که در زمان زنگ تفریح و در غیاب معلم رخ داده است
- ورود دانش آموز با سلاح سرد به مدرسه بدون اطلاع مدیر و معلم

در این شرایط، مسئولیت تنها در صورتی متوجه مدیر یا معلم است که عدم پیش‌بینی یا ضعف در نظام نظارتی مدرسه اثبات شود. مسئولیت مبتنی بر تقصیر، اصلی‌ترین مبنای تحقق مسئولیت مدنی در برابر جرایم دانش‌آموزان است. اثبات این مسئولیت مستلزم بررسی دقیق شرایط وقوع حادثه، نقش فعال یا منفعل عوامل مدرسه، و وجود رابطه علیت میان تقصیر و زیان است. شناسایی صحیح تقصیر، مرز میان مسئولیت قانونی و براءت از آن را مشخص می‌کند.

نقش نظارت و پیشگیری در جلوگیری از تحقق مسئولیت مدنی

یکی از مؤلفه‌های کلیدی در پیشگیری از حوادث مدرسه‌ای و ارتكاب جرم از سوی دانش‌آموزان، نظام نظارت مؤثر است. اگرچه مسئولیت مدیران و معلمان در صورت وقوع جرم ممکن است به اثبات برسد، اما با ایجاد ساختارهای نظارتی مناسب، می‌توان وقوع جرم یا حادثه را به حداقل رساند و در نتیجه مسئولیت مدنی را از دوش کادر آموزشی برداشت. (محمدی اصل، ۱۳۸۵؛ معظمی، ۱۳۹۱) در این بخش، نقش نظارت فعال و اقدامات پیشگیرانه در مهار مسئولیت مدنی تحلیل می‌شود. نظارت مؤثر، یعنی پیشگیری مداوم، هوشمندانه و برنامه‌ریزی شده بر رفتار دانش‌آموزان، ارتباطات آن‌ها، و فضای فیزیکی مدرسه. این نظارت در سه سطح قابل انجام است:

- نظارت فردی معلم بر کلاس
 - نظارت مدیر و معاونین بر محیط مدرسه
 - نظارت سیستمی شامل دوربین، انضباط، مشاوره و بازخورد والدین
- فقدان یا ضعف در هر یک از این سطوح ممکن است زمینه‌ساز بروز جرم یا تخلف شده و مسئولیت مدنی ایجاد کند. اگر ثابت شود که جرم یا حادثه در اثر فقدان سیستم مؤثر نظارتی رخ داده، مسئولیت بر عهده مدیر یا مسئول مستقیم خواهد بود. برای مثال:

- اگر مدرسه فاقد دوربین یا نظارت در مناطق پرخطر مانند سرویس‌های بهداشتی یا پله‌ها باشد.
 - یا اگر گزارشی درباره خشونت وجود داشته و مدیر اقدامی نکرده است.
- در این موارد، دادگاه ممکن است نقص در نظارت را معادل تقصیر مدنی تلقی کند.
- نظارت و پیشگیری دو ابزار کلیدی برای جلوگیری از تحقق مسئولیت مدنی هستند. چنان‌که مدیران و معلمان ساختارهای نظارتی دقیقی طراحی و اجرا کنند، نه تنها از وقوع جرم جلوگیری می‌شود، بلکه در صورت وقوع حادثه نیز، از مسئولیت مدنی مبرا خواهند بود.

مسئولیت تضامنی و نقش نهاد آموزش و پرورش در قبال خسارات وارده

در مواردی که دانش‌آموزان در مدرسه مرتکب جرم می‌شوند یا حادثه‌ای برای دیگران ایجاد می‌کنند، اغلب تنها مدیر یا معلم مسئول شناخته نمی‌شود؛ بلکه در بسیاری از موارد، نهاد آموزش و پرورش به‌عنوان کارفرمای این افراد یا نهاد ناظر بر عملکرد مدارس نیز در معرض مسئولیت قرار می‌گیرد. این نوع مسئولیت به نام «مسئولیت تضامنی» یا «نهادی» شناخته می‌شود. این مسئولیت، عمدتاً بر اساس اصول زیر استوار است:

- اصل نظارت و مدیریت عالی دولت بر مدارس (اصل ۳۰ قانون اساسی)
- مسئولیت ناشی از کارفرمایی بر اساس ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی
- نقش مستقیم در تعیین مقررات، نظارت بر اجرای آن، و انتصاب کادر مدارس

بر اساس این اصول، چنانچه مدیر یا معلم در انجام وظایف خود کوتاهی کنند و این تقصیر منجر به زیان شود، ممکن است شخص زیان دیده حق اقامه دعوا علیه آموزش و پرورش را نیز داشته باشد. موارد بارز مسئولیت تضامنی:

- عدم گزینش صحیح معلمان یا مدیران فاقد صلاحیت
- نبود آموزش کافی درباره حقوق دانش آموز و کنترل بحران
- عدم تأمین بودجه کافی برای ایمن سازی مدارس
- عدم رسیدگی به شکایات قبلی والدین درباره تهدیدات احتمالی

در این موارد، مسئولیت مستقیم با آموزش و پرورش است، حتی اگر تقصیر مستقیمی از سوی مدیر یا معلم رخ نداده باشد. در بسیاری از کشورها، دولت‌ها با در نظر گرفتن بیمه مسئولیت حرفه‌ای برای معلمان، از آنان در برابر خسارات احتمالی حمایت می‌کنند. در ایران نیز برخی مدارس تحت پوشش بیمه مسئولیت هستند، اما این پوشش‌ها باید توسعه یابند تا بار مسئولیت فردی به تنهایی متوجه معلمان و مدیران نباشد. مسئولیت تضامنی نهاد آموزش و پرورش به معنای پذیرش مسئولیت حقوقی در قبال اعمال کارکنان تحت امر خود است. این مسئولیت نه تنها مبتنی بر قواعد فقهی و قانونی است، بلکه راهی برای حمایت از دانش‌آموزان آسیب‌دیده، جبران خسارت، و ارتقای استانداردهای ایمنی و تربیتی مدارس نیز می‌باشد. (نجفی توانا، ۱۳۸۵)

نقش رویه قضایی در اثبات مسئولیت نهاد آموزش و پرورش

در برخی پرونده‌های حقوقی در ایران، دادگاه‌ها با استناد به مسئولیت مستخدمان دولت، آموزش و پرورش را در قبال عملکرد ناصحیح معلمان و مدیران، مسئول تضامنی یا حتی مسئول اصلی دانسته‌اند. این دیدگاه زمانی تقویت می‌شود که ثابت شود عمل زیان‌بار ناشی از ضعف سیستماتیک، نبود سیاست‌گذاری مؤثر یا نقص نظارت بوده است. مثلاً در پرونده‌ای که دانش‌آموزی در اثر ضرب و شتم یکی از همکلاسی‌ها به شدت آسیب دیده بود، و مدیر مدرسه علیرغم اطلاع قبلی از تهدیدهای مکرر اقدامی نکرده بود، دادگاه اداره آموزش و پرورش منطقه را به پرداخت خسارت محکوم کرد؛ چرا که این اداره بر فعالیت مدیر نظارت داشته و باید عملکرد وی را ارزیابی و کنترل می‌کرد. موضوع مهم دیگر آن است که گاه نهاد آموزش و پرورش تنها مسئول جبران خسارت زیان‌دیدگان نیست، بلکه باید از کارکنان خود نیز در برابر دعاوی احتمالی دفاع کند. (خسروشاهی، ۱۳۸۹) این امر مستلزم:

- ایجاد بیمه مسئولیت حرفه‌ای فراگیر
- حمایت حقوقی از معلمان در صورت اتهام نادرست
- تأمین وکیل یا مشاور حقوقی در دعاوی

اگر آموزش و پرورش این حمایت‌ها را فراهم نکند، کارکنان دچار فشار مضاعف می‌شوند و در مواجهه با شرایط بحرانی، از مداخله مناسب خودداری می‌کنند. اجرای عملی مسئولیت تضامنی نهاد آموزش و پرورش، با چالش‌هایی روبروست:

۱. مقاومت ادارات آموزش و پرورش در پذیرش مسئولیت: در بسیاری موارد، این نهادها تلاش می کنند تقصیر را صرفاً متوجه فرد خطا کار جلوه دهند و از بار مسئولیت شانه خالی کنند.

۲. نبود رویه قضایی یکنواخت: دادگاه‌ها گاه آموزش و پرورش را مسئول می دانند و گاه خیر. این عدم وحدت رویه، زیان دیدگان و حتی کارکنان را در حالت بلاتکلیف قرار می دهد.

ضعف مستندسازی در مدارس: در نبود گزارش های دقیق، فیلم، یا شهادت های مستند، اثبات تقصیر نهادی دشوار می شود. (رجبی پور، ۱۳۸۷؛ کتولی نژاد، ۱۳۹۰)

نهاد آموزش و پرورش، به عنوان اصلی ترین مرجع تربیتی کشور، نمی تواند از مسئولیت های حقوقی خود در قبال حوادث، تخلفات یا جرایم رخ داده در مدارس غفلت کند. مسئولیت تضامنی این نهاد، نه تنها یک الزام حقوقی، بلکه نشانه ای از مسئولیت اجتماعی در برابر آینده کشور است. برخورد شفاف، قاطع و عادلانه با موارد قصور، و نیز تقویت سیستم های نظارتی، حمایتی و آموزشی، راهی برای تحقق مدرسه ای امن، مسئولیت پذیر و قانون مدار است.

نتیجه گیری

نظام آموزشی، مهم ترین نهاد تربیتی و اخلاقی در هر جامعه به شمار می آید. مدرسه به عنوان محیطی رسمی برای رشد فکری، عاطفی، اجتماعی و فرهنگی نسل آینده، باید فضایی امن، منضبط و قانون مدار باشد. با این حال، در سال های اخیر، افزایش رفتارهای پرخطر و حتی ارتكاب جرایم توسط دانش آموزان در محیط های آموزشی، یکی از چالش های مهم در عرصه آموزش و حقوق شده است. در این میان، مسئله ای که توجه جامعه حقوقی را به خود جلب کرده، مسئولیت مدنی مدیران و معلمان در قبال این جرایم است؛ یعنی زمانی که رفتار مجرمانه ای توسط دانش آموزان در فضای مدرسه رخ می دهد، آیا معلمان و مدیران - به عنوان متولیان رسمی آموزش و نظارت - می توانند یا باید مسئول جبران خسارت باشند؟ اگر پاسخ مثبت است، حدود این مسئولیت چیست؟ مبنای آن کدام است؟ چه شرایطی باید احراز شود تا مسئولیت شکل بگیرد؟ این ها پرسش های اساسی مقاله حاضر بوده اند. در بستر مدرسه، اگر دانش آموزی مرتکب جرم یا رفتاری آسیب زا شود (اعم از خشونت، آزار، تهدید، تخریب اموال یا اقدامات مجرمانه سایبری)، و اگر مدیر یا معلم در پیشگیری، شناسایی یا مهار آن رفتار کوتاهی کرده باشد، و این کوتاهی علت یا یکی از علل مؤثر در وقوع خسارت باشد، آنگاه مسئولیت مدنی آن ها محقق خواهد شد. تقصیر در اینجا ممکن است از نوع فعل مثبت (مانند سوء رفتار با دانش آموز، تحریک رفتار خشونت آمیز، نادیده انگاری شکایات قبلی) یا ترک فعل (مانند عدم حضور در کلاس، بی توجهی به گزارش تهدید، نبود نظارت بر ورود اشیای خطرناک به مدرسه) باشد. در تحلیل ها مشخص شد که مهم ترین عنصر برای جلوگیری از مسئولیت مدنی، نظارت مؤثر و اقدامات پیشگیرانه است. مسئولیت در اکثر موارد زمانی متوجه مدیر یا معلم می شود که اثبات گردد می توانستند از وقوع حادثه جلوگیری کنند ولی این وظیفه را ترک کرده اند. به عبارت دیگر، مسئولیت نه بر مبنای حادثه، بلکه بر مبنای کوتاهی در پیشگیری از حادثه تعریف می شود. این رویکرد مبتنی بر یک اصل حقوقی و تربیتی مهم است: «پیشگیری بهتر از درمان است؛ و ترک مراقبت، مسئولیت آورتر از ناتوانی در مهار پیامدها» نظارت فعال، آموزش رفتارهای اجتماعی، حضور مشاوران، ثبت گزارش های رفتاری، ارتباط مؤثر با خانواده ها و ایجاد کانال های گزارش دهی ایمن، ابزارهایی هستند که اگر به درستی استفاده شوند، نه تنها مانع بروز جرم می شوند بلکه در صورت وقوع حادثه، از مدیر یا معلم نیز رفع مسئولیت می کنند. در سطوح کلان، تحلیل ها نشان

دادند که در بسیاری موارد، تنها معلم یا مدیر مسئول نیستند، بلکه نهاد آموزش و پرورش نیز به صورت مستقیم یا تضامنی در برابر خسارات وارده مسئولیت دارد. بر همین اساس، رویه قضایی نیز در برخی موارد، وزارت آموزش و پرورش یا اداره منطقه را طرف دعوی قرار داده و آن‌ها را مسئول جبران خسارت زیان‌دیدگان دانسته است. این مسئولیت نهادی، ضامن اجرای عدالت در گستره وسیع‌تری از روابط تربیتی است و مانع آن می‌شود که افراد در سطوح پایین سیستم قربانی کم‌کاری سطوح بالا شوند. در واقع تحقق عدالت در نظام آموزشی، تنها با ارتقای کیفیت آموزش ممکن نیست، بلکه نیازمند رعایت عدالت در روابط حقوقی میان نهادها، مدیران، معلمان، دانش‌آموزان و والدین است. مسئولیت مدنی، ابزاری قانونی برای تنظیم این روابط، پیشگیری از آسیب، جبران خسارت و ارتقای اعتماد عمومی به نظام آموزش و پرورش است. در مدرسه‌ای که مسئولیت‌پذیری جایگزین بی‌تفاوتی شود، آموزش با امنیت همراه خواهد بود. و در سیستمی که معلم، مدیر و نهاد بالادستی هم‌زمان از حقوق خود آگاه و به تکالیف خود پایبند باشند، کمتر شاهد وقوع جرم، خسارت و شکایت خواهیم بود.

منابع و مآخذ

- آقا زاده، احمد (۱۳۸۷)؛ آموزش و پرورش تطبیقی، تهران، سمت
- آقایی نیا، حسین (۱۳۶۹)؛ حقوق ورزشی، تهران، انتشارات معین.
- بادینی، ح. (۱۳۸۴) فلسفه مسئولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- صفایی، س. ح. و رحیمی، ح. (۱۳۸۹) مسئولیت مدنی الزامات خارج از قرارداد، تهران، سازمان سمت.
- قاسم‌زاده، س. م. (۱۳۸۴) مبانی مسئولیت مدنی، تهران، نشر دادگستر.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۶). حقوق مدنی: الزامات خارج از قرارداد (جلد ۱، چاپ هشتم). انتشارات دانشگاه تهران.
- تقی پورظهیر، علی (۱۳۹۰)؛ مبانی و اصول آموزش و پرورش، تهران، نشر آگه
- خرم روز، فاطمه و نارویی، انور و قادری، کژال و صفری، نرگس، ۱۴۰۲، بررسی انواع جرایم و تخلفات دانش‌آموزان در محیط مدرسه، اولین همایش بین‌المللی جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی و آموزش و پرورش با رویکرد نگاهی به آینده، بوشهر، <https://civilica.com/doc/1782549>
- خسروشاهی، قدرت‌اله (۱۳۸۹) حیدر منصوری، پیشگیری زودرس از بزهکاری با رویکرد خانواده مدار، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره شانزدهم،
- دانش، تاج‌زمان (۱۳۸۵) طفل بزهکار کیست، روش اصالح و تربیت او چیست، تهران، انتشارات کیهان
- رجیبی پور، محمود، (۱۳۸۷) "بزهکاری دانش‌آموزان و امکان پیشگیری اجتماعی رشد‌مدار از دیدگاه کارشناسان آموزش و پرورش"، فصلنامه دانش انتظامی. شماره ۳۹
- شارع پور، محمود (۱۳۹۲)؛ جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران، سمت
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۹) بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات مجد
- صحرائی، جواد، ۱۴۰۴، مسئولیت مدنی معلم در قبال دانش‌آموزان، <https://civilica.com/doc/2240840>
- غفوری غروی، سید حسن، انگیزه‌شناسی جنائی (۱۳۵۹)؛ پژوهشی درباره بزهکاری اطفال و نوجوانان در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران

- فریور، علی و پورقهرمان، بابک، ۱۴۰۱، جرایم ارتكابی دانش آموزان در شبکه شاد دانش آموزان، سومین کنفرانس ملی پدافند سایبری، مراغه، <https://civilica.com/doc/1493883>
- کتولی نژاد، خدابخش (۱۳۹۰) "نقش خانواده در پیشگیری از جرم"، پیشگیری رشدمدار، مجموعه مقالات ارسالی اولین همایش ملی پیشگیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، جلد دوم، تهران، نشر حدیث کوثر.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۵) بزهدکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی، تهران، علم
- معظمی، شهلا (۱۳۹۱)، بزهدکاری کودکان و نوجوانان، تهران، دادگستر
- نجفی توانا، علی (۱۳۸۵) نابهنجاری و بزهدکاری کودکان و نوجوانان از منظر جرم‌شناسی مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی، تهران، آموزش و سنجش.
- نیساری، سارا، ۱۴۰۲، بررسی مسئولیت مدنی معلمان در آموزش و پرورش در خصوص دانش آموزان، هفتمین کنفرانس ملی دستاوردهای نوین در حقوق و روانشناسی، تهران، <https://civilica.com/doc/1936209>

An Analysis of the Civil Liability of School Principals and Teachers Arising from Crimes Committed by Students in the School Environment

Abstract

The school environment, as one of the primary educational institutions, is responsible for ensuring the physical and psychological safety of students alongside the educational process. However, in recent years, the emergence of high-risk and sometimes criminal behaviors by students has raised serious concerns regarding the legal liability of school principals and teachers. The occurrence of such incidents prompts the critical question: who is responsible for compensating the damages resulting from crimes committed within schools, and under what legal conditions? This article aims to analyze the scope of **civil liability of principals and teachers** in response to criminal acts committed by students within the school setting. Utilizing a descriptive-analytical method, and drawing upon the Civil Code, the Islamic Penal Code, school administrative regulations, and judicial precedents, the study examines the three foundational elements of civil liability—damage, fault, and causal relationship—and their application to incidents occurring in schools. The findings indicate that civil liability in this context is generally contingent upon proving fault or omission on the part of the teacher or principal, except in cases where presumption of fault is recognized. Furthermore, the absence of effective supervision, disregard for warnings, or failure to take preventive action by school staff can establish grounds for legal accountability. In some cases, the Ministry of Education or its affiliated bodies may also be held institutionally or jointly liable for the actions or omissions of their personnel. The article concludes with recommendations for legal reform, enhanced legal training for school staff, expansion of professional liability insurance, and the development of more robust supervisory frameworks to create safer school environments and a more transparent system of accountability.

Keyword

Civil Liability, School Environment, Fault, Ministry of Education, Student Offenses
